



گزارش ویژه

پدیدآورنده (ها) : خلفی، علی؛ گوینده، حمید؛ زمانی، محمد؛ شعبانی برکی، علی؛ حجتی؛ سینجلی جاسبی، محمد؛ اسحاقیان؛ بختیاری، علی

حقوق :: نشریه قضاوت :: شهریور ۱۳۸۱ - شماره ۸

صفحات : از ۲۵ تا ۳۳

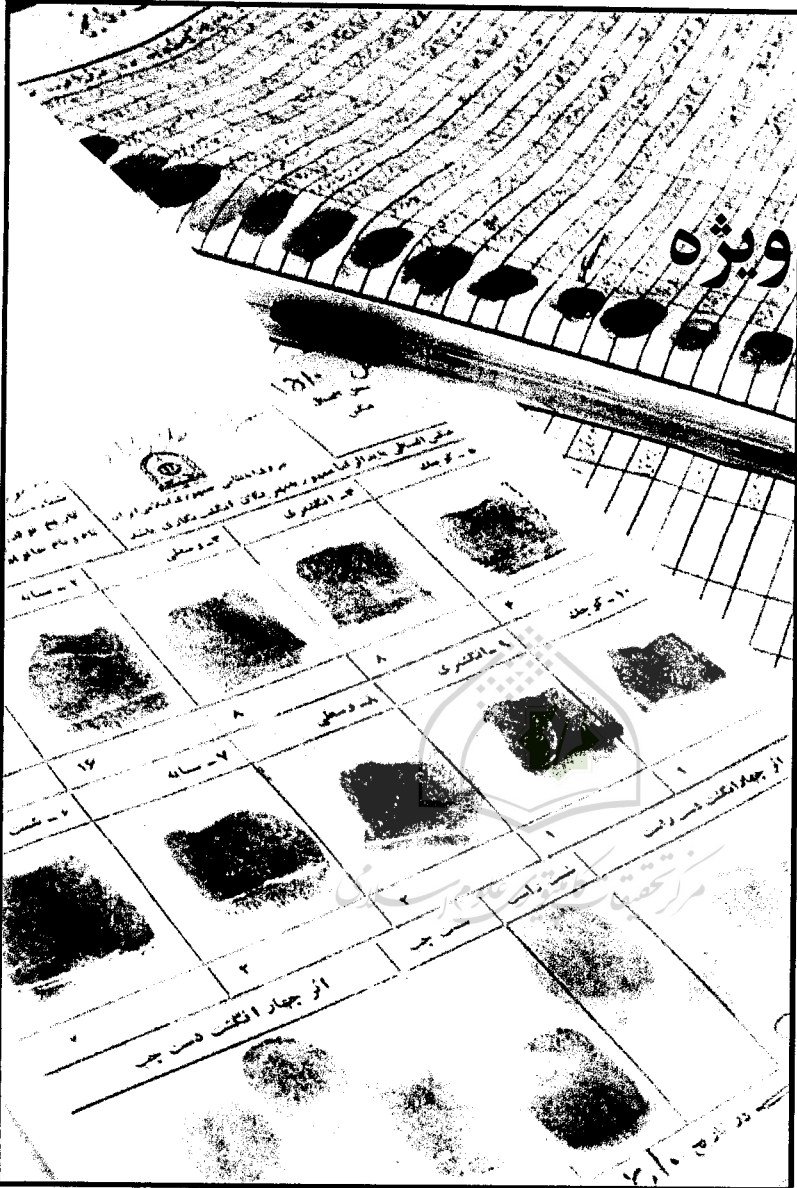
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/937460>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- گزارش ویژه: بررسی نقش عوامل موثر در توسعه: دانایی؛ مهمترین ابزار توسعه (بخش پایانی)
- گزارش ویژه: بررسی چالش های پهنه اقتصادی استحکام طلا در بازارهای جهانی (۱)
- در گزارش ویژه ماهنامه «بورس» بررسی شد؛ پیشنهاد ایجاد بازار «سرمایه‌گذاران حرفه‌ای» در بورس تهران
- گزارش های ویژه
- گزارش ویژه: نگاهی به ارزیابی عملکرد بنگاههای اقتصادی: ارزیابی عملکرد؛ راهنمای حرکت از «هست» به «باید»
- گزارش های ویژه
- گزارش ویژه: مشکل شهریه و ثبت نام، امسال هم حل نشد!
- گزارش ویژه: افتتاح سومین نمایشگاه ایران پلاست: مشارکت ایران در صنعت پتروشیمی گسترش می یابد
- دستاوردهای دولت در رشد قابل توجه اشتغال آفرینی مرهون اهتمام ویژه رئیس جمهور شهید است / گزارش وزیر کار از عوامل موفقیت دولت در کاهش نرخ بیکاری
- گزارش ویژه: بودجه سال ۷۷؛ نگران کننده یا سکوی پرش؟



گزارش ویژه

■ مجتمع قضایی ارشاد در یک نگاه پنج سالی از عمر این مجتمع می گذرد و به طور خاص، به مسایل منکرانی و پرونده های مفساد اخلاقی در کل تهران، رسیدگی می کند. قبلاً نام مجتمع، شهید قدوسی بود، بعدها تغییر نام پیدا کرد. مجموعاً کارمندان آن، ۸۲ نفر هستند که ۱۹ نفر آن را قضات تشکیل می دهند. سیزده شعبه در این مجتمع فعالیت دارند، کادر قضائی آن، شامل افراد ذیل می باشد:

علی خلفی (سرپرست مجتمع قضایی ارشاد)، احمد بیگی حبیب آبادی (معاون مجتمع قضائی ارشاد)، فتاح نصیری (معاون مجتمع قضائی ارشاد)، محمد سینجلی جاسبی (معاون اجرای احکام

مجتمع قضائی ارشاد)، شعبانعلی شعبانی (رئیس شعبه ۱۵۲ مجتمع قضائی ارشاد)، نوری خیرآبادی (دادرس شعبه ۱۵۰۵ مجتمع قضائی ارشاد)، حمید گوینده (رئیس شعبه ۱۵۰۴ مجتمع قضائی ارشاد)، مرتضی رحیمی (رئیس شعبه ۱۵۰۵ مجتمع قضائی ارشاد)، محمد زمانی (رئیس شعبه ۱۵۰۶)، علی شعبانی برکی (رئیس شعبه ۱۵۰۲)، مرتضی محقق (دادرس شعبه ۱۵۰۶ مجتمع قضائی ارشاد)، مجید امینی تامه (دادرس شعبه ۱۵۰۷ مجتمع قضائی ارشاد)، محمد رضا ولی خانی (رئیس شعبه ۱۵۰۸ مجتمع قضائی ارشاد)، مهدی قلی رضایی (رئیس شعبه ۱۵۰۹ مجتمع قضائی ارشاد)، سید محمد میرحسینی (رئیس شعبه ۱۵۱۰ مجتمع قضائی ارشاد)، محمد علی مندی پور (رئیس شعبه ۱۵۱۱ مجتمع قضائی ارشاد)، خلیل زنجیر (رئیس شعبه ۱۵۱۲ مجتمع قضائی ارشاد)، عباسعلی حوزان (رئیس شعبه ۱۵۱۳ مجتمع قضائی ارشاد)، عباس اسحاقیان (قاضی ناظر احکام مجتمع قضائی ارشاد)، ابوالفضل جمشیدی (دادرس مجتمع قضائی ارشاد)، زهرا قلی زاده دلاور (قاضی تحقیق مجتمع قضائی ارشاد).

لازم به ذکر است، چون نیازهای دادگستری با توجه به تعداد پرونده های شعب و ساختار آنها، فضای اداری بیشتری می طلبد، به همین دلیل و دلایل دیگری از جمله رسیدگی به پرونده های قضائی مراجعان در نزدیکترین مجتمع محل سکونت - که در شماره های بعدی قضاوت به ذکر آنها مبادرت خواهیم کرد - مجتمع قضائی ارشاد از دایره مجتمع های قضائی خارج شد و رسیدگی به پرونده های معمول بر عهده سایر مجتمع ها محول گردید.

علی خلفی

«سرپرست مجتمع قضائی ارشاد»

برخورد با معلول نه بررسی علل

قضاوت: عنوان خوبی برای مجتمع انتخاب شده است، آیا فکر می‌کنید واقعاً در ارشاد جوانان نقش مؤثری داشته‌اید؟

خلفی: وظیفه‌ای که ما در این مجتمع داریم، برخورد با معلول است نه بررسی علل. به عبارت دیگر، ما با جرایم سروکار داریم و قاضی موقع رسیدگی به یک پرونده، درصدد آن نیست که دنبال علتها بگردد و مسائل را از این طریق ریشه‌یابی کند؛ بلکه او وظیفه دارد به جرایمی که صورت گرفته است، رسیدگی نماید و مرتکبین را مجازات کند. اینکه در قانون اساسی آمده که یکی از وظایف قوه قضائیه، پیشگیری از وقوع جرم، است منظور بیان سیاستهای کلان قوه قضائیه است تا با همفکری و همکاری سایر نهادهای ذریع، از جمله سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت و درمان و سایر مراکز دولتی و با انجام کارهای مطالعاتی و پژوهشی، درصدد ریشه‌یابی علل بزهکاری و جرم برآید و این مسأله، ارتباطی با وظایف قاضی ندارد. قاضی با جرم سروکار دارد نه با علل و عوامل بروز جرم و جنایت. در مورد عنوان مجتمع هم، باید عرض کنم که قبلاً نام این مجتمع، «شهید قدوسی» بوده که در آن زمانی برخی از همکاری که مسؤولیت داشتند، طرح کردند که با نامگذاری این مجتمع به عنوان مجتمع قضائی ارشاد، استفاده بهتر و مفیدتری می‌تواند از این جایگزینی و تغییر نام صورت پذیرد. به همین خاطر، نام مجتمع تغییر پیدا کرد.

قضاوت: خود شما می‌گویید علت تغییر نام مجتمع، استفاده بهتر و مفیدتر از این عنوان است. بنابراین، طبیعتاً بایستی انتظار داشت که جنبه‌های ارشادی، حداقل در صدور حکم رعایت شود.

خلفی: بله، البته همکاران ما به این نکته هم توجه دارند. برای مثال، در شعبه‌ای که آقای مدنی‌پور

ریاست آن را به عهده دارد و به پرونده‌های مربوط به جرایم نوجوانان رسیدگی می‌کند، علاوه بر طی شدن مراحل دادرسی، ایشان جلساتی را برای نصیحت و ارشاد متهمین در نظر می‌گیرد و طی آن جلسات، مسائل و موارد اخلاقی و شرعی را به آن متذکر می‌شود.

قضاوت: با توجه به اینکه شما عضو مبارزه با مفاسد اجتماعی هستید، لطفاً در خصوص این ستاد و برنامه‌های آن توضیح دهید؟

خلفی: این ستاد با حضور برخی از قضات و اعضای بسیج و نیروی انتظامی و رؤسای جمعتهای قضائی ارشاد و امور جنایی تشکیل شده است و ریاست آن، به عهده رئیس کل دادگستری استان تهران است و هدف از تشکیل آن، طرح ریزی سیاستهای کلان در برخورد با مفاسد اجتماعی است و در واقع از این لحاظ، هیچ ارتباطی با جمعتهای قضائی ندارد و هیچ پرونده قضائی جهت تصمیم‌گیری به این ستاد ارسال نمی‌شود؛ فقط جنبه کلان قضیه را در نظر گرفته و در مورد آن تصمیم‌گیری می‌شود.

قضاوت: چند سال از عمر مجتمع قضائی ارشاد می‌گذرد؟

خلفی: حدود پنج سال.

قضاوت: شما از چه زمانی مدیریت مجتمع را به عهده گرفته‌اید؟

خلفی: درست از بدو تأسیس آن.

قضاوت: هر مجموعه‌ای برای اداره امور، اهدافی را در نظر می‌گیرد. شما هم به عنوان مدیر مجتمع قضائی ارشاد، حتماً اهدافی داشته‌اید یا اساساً متولیان امر، دورنمایی را از اهداف برای مجتمع در نظر گرفته، و مدیریت آن را به شما سپرده‌اند. اکنون بعد از گذشت پنج سال از مدیریت حضرتعالی، فکر می‌کنید تا چه اندازه به این اهداف دست یافته‌اند؟

خلفی: اهداف را بایستی به دو دسته تقسیم کنیم: یک دسته، «اهداف آرمانی» هستند که امیدواریم با تحقق همه شرایط، این اهداف دست یافتنی شوند. ما هم امید آن داریم که جامعه‌ای فارغ از جرم و جنایت و فساد داشته باشیم. برای رسیدن به چنین جامعه آرمانی، بایستی همگی تلاش کنیم تا به این مهم دست بیابیم. از نظر «اهداف کاری» هم، متناسب

با مقدرات این مجتمع، سعی لازم برای رسیدگی به موقع پرونده‌های ارسالی، از سوی همکاران صورت گرفته است.

قضاوت: در طول ماه، چه تعداد پرونده مورد رسیدگی قرار می‌گیرد؟

خلفی: ۱۵۰۰ پرونده.

قضاوت: با این تعداد کم پرونده، آیا فکر نمی‌کنید اختصاص دادن یک مجتمع با این مساحت بدان، ضرورتی نداشت و بهتر بود که این پرونده‌ها به جمعتهای دیگری ارجاع می‌شد و افراد برای حل مشکلات خود به اولین مجتمع نزدیک به محل اقامتان، مراجعه می‌کردند؟

خلفی: اولاً باید عرض کنم که منظور من از ۱۵۰۰ پرونده، ۱۵۰۰ نفر نیست، چون این پرونده‌ها جزو پرونده‌های مهم هستند و محتوای آنها، مربوط به اتهام اعضای باند فساد یا توزیع مشروب و فیلمها و (C.D) های مستهجن و مبتذل است و ممکن است هر پرونده، دهها متهم داشته باشد. ثانیاً، از آنجا که جرایمی که در این مجتمع مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، مربوط به مسائل منکراتی و خلاف عفت عمومی هستند. شما می‌دانید، مثلاً در مورد فردی که مشروبات الکلی مصرف کرده است، کنترل او چقدر مشکل است یا مواردی از این دست است... بنابراین، به مصلحت نیست که این موضوعات حالت علنی و پراکندگی پیدا کند و بایستی به صورت متمرکز در محلی، مورد رسیدگی قرار گیرند. سعی ما هم در این مجتمع، بر این است که حتی المقدور از انتشار محتویات پرونده و موارد اتهامی جلوگیری به عمل آوریم. به همین خاطر، این مجتمع اختصاصاً به مسائل منکراتی و پرونده‌های مفاسد اخلاقی رسیدگی می‌کند.

قضاوت: منکرات اخلاقی تا حدود زیادی به احوالات شخصی افراد بستگی دارد و گاهی حريم خصوصی افراد را می‌درد. شما برای پیگیری مسائل منکراتی، تا چه اندازه در زندگی خصوصی افراد تحقیق و تفحص می‌کنید و تا چه اندازه این پیگیریها، منطبق با شرع و قانون است؟

خلفی: بیقین، تقوا تقریر و سیره نبوی و ائمه اطهار(ع)، دستورالعمل زندگی همه ماست و همه ما مکلف به رعایت جوانب شرعی و قانونی هستیم؛ حتی در پرونده‌های منکراتی هم به این صورت عمل می‌شود. مطابق با قانون که برگرفته از شرع هست، مثل ماده (۴۳) قانون دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و ذیل آن؛ تنها در دو صورت جرم منکراتی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد: یا وقتی که جرم مشهود باشد و یا اینکه شاکی خصوصی داشته باشد. البته جرایم مشهود هم تعاریفی برای خود دارند. قانونگذار، شش مورد را جزو جرایم مشهود دانسته است که مشروح آن در قانون (۲۳) دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری آمده است. خارج از این دو موضوع، قوه قضائیه، نه وظیفه برای رسیدگی دارد و نه حق تحقیق و تفحص.



علی خلفی
سرپرست
مجتمع قضائی ارشاد

◀ حمید گوینده
رئیس شعبه ۱۵۰۴

قوانین باید اصلاح شود



حمید گوینده
رئیس شعبه ۱۵۰۴

قضاوت: آقای گوینده، لطفاً در مورد پرونده هایی که در این شعبه رسیدگی می کنید، توضیح دهید؟
گوینده: این شعبه کلاً به جرایمی که مربوط به توزیع و فروش (C.D) های مبتذل است، رسیدگی می کند. دامنه این موضوع هم بسیار گسترده است. در حال حاضر، در بسیاری از مراکز، (I.S.P) غیر مجاز وجود دارد که حتی مرکز دیتا و مخابرات هم از آن بی خبر است و به هر صورت، خدماتی را ارائه می دهد. طبیعتاً کنترل این موارد کار مشکلی است. نکته اصلی و اساسی که در این زمینه وجود دارد، این است که متأسفانه در شرایط فعلی جامعه، مباحث قضائی با خیلی از مسائل سیاسی خلط می شوند و امروزه با وجود تعبیر سوء واژه «آزادی» و گسترش آزادیهای، منفی و مضر، هر فعالیت و برخوردی که بر علیه برخی از امور ضدفرهنگی صورت گیرد؛ شاید از جانب برخی عوام و معاندین، تحت عنوان حرکتی ضد ارزش تلقی شود! حتی فرض کنید، متأسفانه مسائلی نظیر برخورد با فساد و فحشا و مسائل منکراتی هم جنبه سیاسی پیدا کرده است! که این در نهایت به نفع این عاملین فساد است. به نظر من، رسانه ها بایستی به کمک دادگستری بشتابند و این حقایق را بدرستی تفهیم کنند و ارزشها و ضد ارزشها را از هم تفکیک کنند. حتی در غرب و ممالک پیشرفته نیز برای مبارزه با مفاسد، بخشی از فعالتهای پلیس به صورت ویژه و تخصصی به کار گرفته می شود. منتهی، شدت و ضعف دارد و مطابق با ارزشها و معیارهای خاص هر جامعه تعریف می شود.

طبیعتاً، مبارزه با برخی مظاهر فرهنگی منفی، شرایط خاص خود را می طلبد. همین الان در خود غرب هم یک نهضت فرهنگی علیه فیلمهای هالیوودی، شکل گرفته است.

ظاهرأ، اکثر فیلمهای هالیوودی با یک نگاه خاص تهیه شده و جالب این است که ماهیت تمام این فیلمها، سیاسی است؛ یعنی بر اساس تفکرات خاص سینماگران امریکایی، در عرصه سینما نوعی از تفکر و اندیشه، در عرصه سینما تبلیغ می شود که بنوعی اندیشه های رقیب را به خضوع و تسلیم وادار بکنند و این را از طریق فیلمهای پرخرجی که می سازند، به مخاطبان خود القا می کنند. در ایران، متولای سامان دادن به امور سینمایی و فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. حال به نظر می رسد که با توجه به مشکلات موجود در خود این وزارتخانه، ورود فیلمهای یاد شده سازماندهی نشده است و یکی از مشکلات، این است؛ یعنی عدم سازماندهی در ورود و توزیع این گونه محصولات فرهنگی؛ چون نمی شود جلوی

محصولات فرهنگی را گرفت و نه صلاح این است که این کار صورت گیرد، بلکه باید سازماندهی شوند. قضاوت: جناب گوینده، بحث سازماندهی تنها نیست. شما اگر ملاحظه بفرمایید، بسیاری از فیلمهای روز دنیا حتی آن دسته از فیلمهایی که در حال پخش از سینماهای آمریکاست، در همان حال از حوالی میدان توپخانه توسط عده ای در معرض فروش و توزیع قرار می گیرند و بسیاری از افراد در صورت تمایل، می توانند انواع و اقسام محصولات فرهنگی غرب را توسط این گونه افراد که بایستی از آنان به عنوان «باندهای زیر زمینی قاچاق فیلم و (C.D) نام برد، براهتی تهیه کنند؛ آیا واقعاً اراده و عزم جدی برای برخورد با این مسائل وجود ندارد یا اینکه مصالح دیگری در نظر گرفته می شود؟

گوینده: یکی از جنبه های جلوگیری و برخورد، بحث قضائی است اما بعد به نظر من، این یکی از متفرعات قضیه است، به دلیل اینکه در هیچ یک از جرایم نمی توان انتظار داشت که شاهراههای بزرگ برای ورود اجناس ممنوعه باز باشد و بعد از دستگاه قضائی، انتظار داشته باشیم که با آن برخورد کند، در واقع بایستی گفت، ورود دستگاه قضائی به مسأله، به عنوان آخرین برخورد باید تلقی شود. به عبارتی دیگر می توان گفت، برخوردی است از روی ناچاری! این یکی از وظایف اصلی پلیس است که با اتخاذ تدابیری مطمئن، چنان عرصه را بر قاچاقچیان و سوداگران تنگ کند تا جلوی ورود این محصولات گرفته شود! من این توانایی را در نیروی انتظامی می بینم که؛ بسیاری از عوامل توزیع برخورد جدی داشته باشد. کمترین سود این نحوه برخورد، این است که توزیع محصولات غیر مجاز یا مبتذل از حالت علنی خارج شود! من فکر می کنم دستهای پنهان وجود دارد که حامدانه و آشکارا این فرهنگ مبتذل را تسریع می بخشند. البته نکته دیگری که باید بگویم، این است که حتی فیلمهایی بازنویسی شده فارسی، به صورت (C.D) با تیراژ بالا توزیع می شوند که بسیاری از آنان، با فاصله زمانی اندکی در اروپا و آمریکا به نمایش درمی آیند که البته این نهاد های مجری، برخی از تصاویر غیراخلاقی را هم سانسور می کنند. اما باید توجه داشت، صرف نظر از صحنه های غیراخلاقی، محتوای فیلم هم

حاروی پیامی است که مبلغ و فرهنگ غرب است. متأسفانه وقتی ما این مسائل را با وزارت ارشاد در میان گذاشتیم، گفتند که قانون «کپی رایت» در ایران اعمال نمی شود. نهایت اینکه، عنوان «غیرمجاز» بر این موارد اطلاق می شود، ولی گویا ما قانونی برای منع آن نداریم!

قضاوت: به طور کلی، چه عناوینی بر این فیلمها اطلاق می شود که به لحاظ قضائی، شما را موظف به برخورد با آن می کند؟

گوینده: به طور کلی، چهار مفهوم برای فیلم در نظر گرفته می شود که عبارتند از: مجاز، غیرمجاز، مبتذل و مستهجن. فیلمهای مجاز، به مواردی گفته می شود که طبق موازین قانونی، تهیه، توزیع و تکثیر می شوند؛ مثل فیلمهایی که در مؤسسات رسانه های تصویری تهیه و توزیع می شوند.

فیلمهای غیرمجاز، آن دسته از فیلمهایی هستند که مقررات قانونی در مورد تکثیر و تولید آنها اجرا نشده، اعم از فیلمهای ایرانی و خارجی. همان طور که عرض کردم، به علت عدم رعایت قانون «کپی رایت» و حقوق مؤلف در ایران، بسیاری از فیلمها با حذف برخی از صحنه های غیراخلاقی تکثیر و با زیرنویس ارائه می شود. این فیلمها اگر چه غیر مجاز است، ولی قانونی برای برخورد با آن وجود ندارد، چون فاقد صحنه های غیراخلاقی و عریان است. فیلمهای مبتذل، شامل صحنه های نیمه عریان؛ و فیلمهای مستهجن، شامل فیلمهایی می شود که به طور کلی برهنگی را نشان می دهد؛ مثل فیلمهای پورنوگرافی. در واقع برخورد با این عوامل، یک حرکت پلیسی را می طلبد و به نظر من داشتن یک پلیس قوی، مؤمن و متعهد، در بسیاری از مواقع زمینه های فساد را می خشکاند. شاید سابقاً ما حضور پلیس را در عرصه های اجتماعی بیشتر شاهد بودیم؛ اما در حال حاضر اگر من قاضی را در این محکمه به قتل برساند، تا کسی خیر شود از ظهر هم می گذرد! از سوی دیگر، بسیاری از مسئولین باید بدانند که تنها شیوه برخورد با معضلات اجتماعی، حرکت و برخورد پلیس نیست بلکه عوامل دیگر را هم باید به کمک طلبید. در مورد زنان بی سرپرستی که از روی فقر با باندهای فساد همکاری می کنند و ما با آنان

سروکار داریم، باید گفت؛ یکی از عوامل مهمی که باعث شده آنان دست به ارتکاب چنین اعمالی بزنند، وجود «فقر اقتصادی» است. اگر قانون مدونی برای حمایت از زنان بی سرپرست وجود داشت، ما با اینهمه باندهای فساد و زنان خیابانی سروکار نداشتیم که حتی آمارهای آن در بولتنهای محرمانه نباید به هر صورت، قاضی هم انسان است و این واقعیتهاى زندگی را می بیند و روزانه با آن درگیر است و ممکن است که موقع صدور حکم، با در نظر گرفتن سایر شرایط مجرمین، روی صدور حکم تأثیر بگذارد. . . . به نظر من، بایستی برخی از قوانین اصلاح بشود تا زمینه های بروز فساد از بین برود نه اینکه یک روز بریزیم دور میدان توپخانه و جوانانی را که حتی محتاج به نان شب هستند و برای گذران زندگی از روستای خود مهاجرت کرده اند و حتی نمی دانند که (C.D) چیست، دستگیر کنیم! این چه علاجی برای دردهای جامعه می تواند باشد؟ در مقابل آن، یقه سفیدها خروار، خروار، (C.D) و مشروب و ورق یا پاسور وارد بکنند! . . . قضاوت: آقای گوینده، شما موقع صدور رأی بیشتر به جنبه کیفری قضیه توجه دارید یا جنبه های عبرت آموزی آن؟

گوینده: بستگی به مخاطب دارد. در مورد برخی از مجرمینی که «ناخواسته» گرفتار این وضعیت شده اند، سعی می شود برخورد، از جنبه رأفت آمیز آمیخته باشد تا امکان بازگشت دوباره آنان به زندگی شرافتمندانه فراهم آید و از برخورد کیفری شدید پرهیز شود. منتهی، یک مطلب وجود دارد و آن این است که صدور رأی منطبق با قانون باشد؛ یعنی شما از یک طرف می خواهید نظم عمومی را ایجاد کنید و از سوی دیگر می خواهید جامعه محکوم یا مجرم، امکان بازگشت دوباره به آغوش جامعه را فراهم آورید. در کشور ما مجازاتها از تعداد انگشتان دست هم تجاوز نمی کند! در ممالک غربی در مورد این امور، کارشناسیهایی صورت گرفته است و آنان متناسب با نوع جرایم، مؤسساتی را از قبیل بازپروری و درمان و سرپرستی و . . . ایجاد کرده اند تا در صورت امکان، مجرم را به این مراکز هدایت کنند. متأسفانه در جامعه ما، اگر چه برخی از این مراکز راه اندازی شده است اما با توجه به عدم فعالیتهای کارشناسی و مناسب، چندان بازدهی مطلوبی نداشته است.

محمد زمانی
رئیس شعبه ۱۵۰۶

یک نوع سفسطه!

شعبه (۱۵۰۶)، شعبه ویژه است و در آن به پرونده های مفساد اجتماعی رسیدگی می شود. بیشترین ورودی پرونده ها و سنگین ترین آنها، در این شعبه رسیدگی می شوند و این مسأله سبب می شود که رئیس شعبه بناچار حضور فیزیکی بیشتری در محل، نسبت به همکاران خود داشته باشد. با توجه به اینکه زمانی به یکی از پرونده های جنجالی (پرونده اتهامی محمد خردادیان) رسیدگی کرده، بیشتر سؤال و جوابهای مصاحبه حول این موضوع انجام می شود. وی در خصوص این محاکمه می گوید: «او را به اتهام تشویق افراد به فساد و فحشا دستگیر کردند. وی یک متهم شناخته شده است که در داخل و خارج، همه افراد نسبت به او شناخت دارند که چه کارهایی کرده؛ اصلاً نیاز به توضیح و تفصیل ندارد و اما دلیل اینکه محاکمه شده، باید بگویم طبق ماده (۷) قانون مجازات اسلامی و ماده (۵۷) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، محاکمه شده و کاملاً منطبق با قانون بوده و اینکه پرسیدید اصلاً اهمیت داشته محاکمه وی یا خیر، باید بگویم که قاضی و قانون به این مسأله توجهی ندارند که این شخص کی هست! هر فردی که مرتکب جرم شود ما، طبق قانون مکلف هستیم که با او برخورد کنیم. در پاسخ به این سؤال که این مورد ندیده گرفته باشد، چه اتفاقی افتاده؟ باید بگویم وقتی که متهمی را دستگیر می کنند و نزد قاضی می آورند، قاضی مکلف به رسیدگی است. اگر متهمی دستگیر شود و پرونده ای برای او تشکیل ندهند، قاضی موظف به رسیدگی نیست. اما اگر متهمی دستگیر شود و پرونده برای او تشکیل شود، قاضی مکلف به رسیدگی می شود. علت ورود رسیدگی به این اتهام، همین مسأله بود.

قضاوت: حکم چه بوده است و مبانی قانونی آن چیست؟

زمانی: مجازات کسی که مرتکب اتهام تشویق افراد به فساد و فحشا می شود، یک تا ده سال حبس است که این به تشخیص قاضی است و قاضی این اختیار را دارد که این مجازات را به کمتر از یک سال حبس هم تقلیل بدهد یا حتی تبدیل به جزای نقدی بکند یا شلاق؛ و یا اینکه مجازات را تعلیق کند. بنا به مصالحتی که دادگاه در نظر دارد. . .

قضاوت: این مصالحتی که می گوید، چه مصالحتی است؟

زمانی: از جمله نداشتن سابقه پیشینه کیفری به ارتکاب اعمال یاد شده در خارج از کشور، و با توجه به این قضیه که این مورد در سایر کشورها جرم محسوب نمی شود؛ به همین دلیل من تشخیص دادم که مجازات را تعلیق کنم.

حسن دیگری که این کار داشت، این بود که فردی که مجازات او تعلیق شده، احساس کند که به هر حال خطری متوجهش است و تبعاً در نحوه اعمال و رفتارش مراقبت بیشتری به عمل می آورد؛ چون می داند در صورت ارتکاب به این گونه جرایم، مجدداً پرونده رسیدگی و رأی شدیدتری که همان اعمال مجازات حبس باشد، برای او در نظر گرفته می شود و در واقع این حکم تعلیقی، نوعی ضمانت اجرایی برای دور نگه داشتن فرد از ارتکاب جرم است.

قضاوت: آیا فکر نمی کنید که صدور رأی با این عنوان که «ایران به عنوان یک تبعیدگاه برای فرد مذکور» منظور شد، توهینی برای مردم این مرز و بوم تلقی شده باشد.

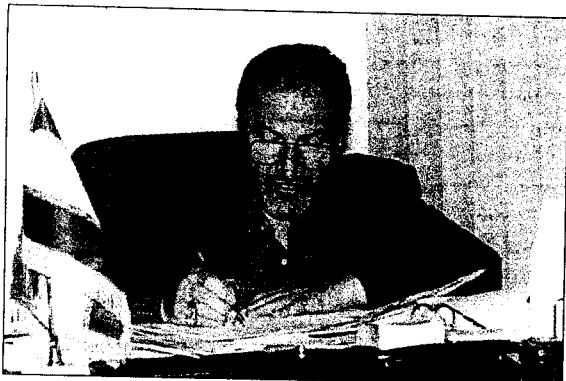
زمانی: البته واقعیت مطلب که متأسفانه بعضی افراد، مغرضانه به آن پرداخته اند (شاید هم برخی منظوری نداشته اند)؛ ولی دادگاه وفق ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی، می تواند علاوه بر مجازات تعلیق حبس، شخص را به عنوان متمیم مجازات به اقامت اجباری در یک منطقه محکوم کند. و یا از اقامت در حیطه معینی منع کند. اگر بنا، براین باشد که ما بگوییم اقامت اجباری در یک منطقه جغرافیایی بد است، ما هر مجرمی را که به یک منطقه تبعید می کنیم، باید به مردم آن شهر توهین شده باشد. بنابراین، بایستی تمام شهرهای ایران را از این قضیه مستثنا کرد و این، سخن منطقی نیست، یک نوع سفسطه است!

قضاوت: وقتی که شهری به عنوان تبعیدگاه برای یک مجرم تعیین می شود، منظور این است که با توجه به شرایط خاص حاکم بر آن شهر، به لحاظ فقدان ارتباطات اجتماعی، رفاهی و بهداشتی؛ فرد محکوم در یک محدودیتهایی قرار گیرد که شرایط انجام افعال گذشته را برای او دشوار کند. طبیعی است که این ملاحظات، برای محل تبعید قرار گرفتن یک منطقه مورد توجه قرار می گیرد.

زمانی: مواردی که شما به آن اشاره داشتید؛ شاید یکی از دلایل انتخاب شهر یا منطقه به عنوان تبعیدگاه

محمد زمانی
رئیس شعبه ۱۵۰۶





علی شعبانی برکی
رئیس شعبه ۱۵۰۲

است؛ قطعاً جنبه‌های دیگر هم در نظر قرار می‌گیرد؛ وقتی به شخصی اعلام می‌کنند که مجبور است در یک منطقه خاص اقامت اجباری داشته باشد، او در محدودیت‌های فراوانی قرار می‌گیرد، از جمله دور شدن از خانواده، قرار گرفتن در شرایط آب و هوایی متفاوت با شرایط زندگی در منطقه بومی خود و... مورد دیگری که بایستی درباره «خردادیان» عنوان کنم، این است که سامی توانستیم که برای اقامت اجباری وی یکی از شهرهای ایران را در نظر بگیریم. ولی در واقع ما به لحاظ ارفاق و کمک به متهم، دامنه این محدوده اقامت را کل ایران در نظر گرفتیم؛ در واقع او را ممنوع الخروج کردیم. این رأی ما جنبه پیشگیرانه دارد چون وی در خارج از کشور سالیان سال به این اعمال اشتغال داشته! ما برای جلوگیری از به وجود آوردن شرایطی مجدد جهت ارتکاب اعمال گذشته برای او، این رأی را در نظر گرفتیم. یعنی در واقع ما، وی را از محیط جرم خیز دور کردیم.

قضاوت: آن وقت در مورد مجازات شرکت کردن در مراسم عروسی چه می‌فرمایید؟
زمانی: ممکن است او به مراسم دعوت شده و به واسطه تشویق نزدیکان، تشویق شود که در این گونه مجالس، برنامه‌ای را اجرا کند. با توجه به نوع جرم و وضعیت او، ۳ سال برای این مسأله در نظر گرفته شد و برای اینکه باز هم شرایط مخففه برای او منظور شود، در حکم آمده است که اگر در مراسم عروسی بستگان درجه اول خود شرکت کند، مانعی ندارد.

قضاوت: آیا تنها دلیل دستگیری او تعلیم رقص در خارج از کشور بوده یا اینکه هنگام اقامت در ایران هم چنین مواردی از نامبرده سر زده بوده؟

زمانی: طبق قانون، هر ایرانی که در هر کجای دنیا مرتکب جرم شود و در ایران دستگیر شود، به جرم وی رسیدگی می‌شود. و او در خارج مرتکب جرمی شده است، اگر چه عمل وی در خارج از کشور جرم محسوب نمی‌شود ولی چون به لحاظ قوانین جمهوری اسلامی، اعمال اتهامی او جرم محسوب می‌شود؛ بنابراین، پرونده وی مورد رسیدگی قرار گرفته است. مطلب دیگر اینکه، به رغم وجود برخی از شایعات، ما دلیلی مبنی بر اینکه وی در ایران هم مرتکب جرمی شده باشد نداریم.

قضاوت: نحوه دستگیری او چگونه بود؟
زمانی: با توجه به اینکه وی تابعیت، و پاسپورت ایرانی داشته، وارد کشور شد. تاکنون هم ممنوع‌الورود یا ممنوع‌الخروج نشده بود. بنابراین، براحتی وارد ایران شد اما بعد از گذشت یک ماه و اندی هنگام خروج از کشور، یکی از مأمورین متوجه هویت وی شده و او را به دادگاه مستقر در فرودگاه تحویل می‌دهد که بعد، پرونده‌اش به این مجتمع احاله می‌شود.

قضاوت: آقای زمانی، ظاهراً از بحث خود خارج شدیم. لطفاً توضیحاتی راجع به فعالیت‌های انجام شده در این شعبه ارائه دهید:

زمانی: شعبه (۱۵۰۶)، شعبه ویژه است. به

پرونده‌های مفاسد اجتماعی رسیدگی می‌کند. بیشترین ورودی پرونده‌ها و سنگین‌ترین آنها، در این شعبه رسیدگی می‌شوند و این مسأله سبب می‌شود که من پناچار حضور فیزیکی بیشتری نسبت به همکاران خود در این مجتمع داشته باشم.

قضاوت: شما با توجه به اینکه به پرونده‌های مهم مفاسد اجتماعی (بخصوص باندهای فساد) رسیدگی می‌کنید، بفرمایید که از نظر خودتان، مهمترین عامل یا عوامل بروز این ناهنجاری در جامعه ما چیست؟
زمانی: من مهمترین عامل را «فقر» می‌دانم. بیشتر این افراد در نتیجه فقر و بی‌سرپرستی، تن به این کار داده‌اند. کسانی هم هستند که از کانال این حرفه، یعنی سرپرستی باندهای فساد؛ به عنوان یک شغل درآمدزا بهره می‌برند که البته درصد کمتری را شامل می‌شوند و کسانی که به منظور انگیزه‌های روحی و شهوانی مرتکب این گونه اعمال می‌شوند، درصد نازلی را تشکیل می‌دهند.

علی شعبانی برکی
رئیس شعبه ۱۵۰۲

بی‌بند و باری آزاد نیست

قضاوت: علت گسترش روزافزون جرم و جنایت و فساد را در جامعه، به رغم تبلیغات دینی که از طریق رسانه‌های گروهی نظام ترویج می‌شود، در چه می‌دانید؟ با این توضیح که فرهنگ دینی و معنوی ما، بالفطره و بالفعل دارای زمینه‌های مناسبی برای گرایش جوانان به معنویت است، اما می‌بینیم که به این نکته در شرایط فعلی کمتر توجه می‌شود.

شعبانی: در مجموع، اگر بعد از انقلاب، کلیه رسانه‌های گروهی و جمعی و همچنین مسئولین نظام جمهوری اسلامی، یک هماهنگی خاصی را با یکدیگر برقرار می‌کردند و در تدوین و تصویب و اجرای قوانین، دقت لازم را مبذول می‌نمودند، من بعید می‌دانم که جامعه ما به جامعه‌ای با شرایط

امروزی می‌رسید. افراد، مرامها و مسلکهای موجود جامعه هر یک، بنوعی به سلیقه خود «آزادی» را تعریف می‌کنند و حتی برخی از فرصت طلبان، آزادی را تعبیر به بی‌بندوباری کرده‌اند. بعضی اوقات، من خودم در محاکم شاهد هستم که برخی هنگام مراجعه و مواجهه با دادگاه، عنوان می‌کنند که ما آزادیم؛ و هنوز توجهی نیستند که مراد از آزادی، بی‌بندوباری نیست! البته باید بگویم که بسیاری از همکاران ما در برخورد با چنین مواردی، با سعه صدر سعی می‌کنند مسائل را حل کنند و با گوشزد کردن وظایف قانونی افراد در اجتماع، تلاش و آفری در ارشاد مراجعین به دادگاهها دارند و چه بسا که گاهی اتفاق افتاده است، با جوانانی که در بیرون از فضای محاکم با یکدیگر ارتباط نامشروع برقرار کرده بودند و بعد از کشف ماجرا، تحت عنوان متهم به دادگاه مراجعه می‌کنند، صحبت کرده و کم کم آنان را راغب به ازدواج با یکدیگر می‌کنیم تا این روابط غیرشرعی در مسیر درست هدایت شوند. از طرف دیگر، می‌بینیم که برخی از مراجع کنندگان به محاکم قضائی، حتی نسبت به محدوده‌های شرعی و دینی حجاب و ارتباط با محارم یا غیرمحارم بی‌اطلاع هستند و این جای بسی تأسف است! من فکر می‌کنم که این وظیفه رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی، بویژه صدا و سیماست که در قالب برنامه‌های نوین و جذاب، این مسائل را به خانواده‌ها آموزش دهند.

قضاوت: ضمن صحبت‌هایتان اشاره داشتید که خودتان و همکارانتان، سعی بلیغی دارید که روابط نامشروع دو جوان را در محاکم قضائی با یک عقدنامه به صورت شرعی و قانونی درآورید تا آن دو از آن پس، تحت عنوان زن و شوهر ادامه زندگی دهند. اما همان طور که می‌دانید، زمینه‌های برقراری این روابط نامشروع، نگاههای مسمومی بوده که در کوچه و خیابان و معابر، بین دو نفر رد و بدل شده و بعدها با پیدا کردن فرصتهای مناسبتر، روابط نامشروع بین آن دو برقرار شده است! حاکم یا بار یا به دفعات؛ طبیعتاً نیت اکثر قریب به اتفاق این دسته از افراد برای برقراری این روابط، غیر از مسائل شهوانی چیز دیگر نیست! یقیناً بسیاری از آنان به مهر و علاقه و عشق و عاطفه فکر نمی‌کنند...

چنین صورتی، این گونه ازدواجها و اصراری که پشت آنها نهفته هست، چه تضمینی برای تحقق آینده‌ای روشن را برای آن دو نفر فراهم می‌آورد؟ آیا فکر نمی‌کنید چنین پیوندهایی از دوام و قوام مناسبی برخوردار نخواهند بود و احتمالاً به الزام اجبار موقعیت فعلی، ای سوی آنها پذیرفته شده باشد؟

شعبانی: ما این روابط را به چند دسته تقسیم می‌کنیم. برخی از افراد، اساساً دنبال این هستند که برای خوشگذرانی اقدام به برقراری روابط با جنس مخالف می‌کنند. حتی ممکن است برای فریب دختران یا زنان به آنان پیشنهاد ازدواج دهند ولی هدفشان چیزی جز بوالهوسی نیست. طبیعتاً نمی‌توان در مواجهه با این افراد، آنان را مجبور به ازدواج با دختران فریب خورده کرد و برخی از افراد هم هستند که بنا به دلایلی، تاکنون موفق به ازدواج نشده‌اند با اینکه قصد چنین کاری را داشته‌اند و بعد از مدتی در خیابان یا معابر عمومی، باب گفتگو و صحبت را با دختران یا زنان باز کرده‌اند و حتی واقعاً هم تصمیم خود را برای ازدواج اعلام داشته‌اند. . . . در مواجهه با چنین افرادی، وقتی سروکارشان به محاکم می‌افتد، بعد از بررسی‌های به عمل آمده و پی بردن به نیت واقعی دو طرف، در این صورت است که مقدمات ازدواج آنان را فراهم می‌کنیم.

قضایوت: با افرادی که نیت واقعی آنان ازدواج بوده، اما به خطا رفته‌اند چه برخوردی دارید؟
شعبانی: خوب به آنان صحبت می‌شود و شرایط خاص آنان را به ایشان متذکر می‌شویم و بعد از این مقدمات، علاوه بر اینکه زمینه ازدواج آنان فراهم می‌شود، مجازاتهای قانونی نیز در نظر گرفته می‌شود. منتهی، شرایط مخففه را در نظر می‌گیریم و با توجه به ضوابط حقوقی، احکام تعلیقی صادر می‌کنیم. قضایوت: اگر بر فرض، نیروی انتظامی با تجهیز قوا و امکانات، بتواند ظرف یک مدت زمان مشخص و محدود با همه عوامل منکراتی (منظورم آن دسته از افرادی هستند که جرم مشهودی را مرتکب می‌شوند) برخورد کند، قوه قضائیه برنامه‌هایی برای این تعداد افراد دستگیر شده خواهد داشت؟

شعبانی: من فکر نمی‌کنم تاکنون قوه قضائیه برای رسیدگی به این موارد، مشکلی داشته باشد؛ بلکه تمام

تعداد پرونده‌هایی که برای دستگاه قضائی در مورد عاملان جرایم مشهود ارسال شده، مورد رسیدگی قرار گرفته و در مورد آنها نیز حکم صادر شده است. منتهی، بایستی در نظر گرفت که هدایت این گونه افراد و خشکاندن زمینه‌های فساد، تنها در حیطه وظایف قوه قضائیه نیست. برخورد با مفاسد، تنها این نیست که این افراد، دستگیر، محاکمه و مجازات شوند؛ بلکه دستگاههای دولتی، نظیر وزارت بهداشت و درمان و سازمان بهزیستی هم باید با همفکری و همکاری یکدیگر، مراکز و نهادهایی را برای سرپرستی یا نگهداری و بازپروری این گونه افراد، در نظر بگیرند. البته باز هم دیده شده که برخی از افرادی که به این مرکز مراجعه می‌کنند، به واسطه عدم برنامه ریزی دقیق، تاب تحمل ماندن در آن محیط را ندارند و آن را ترک می‌کنند. با این وصف به نظر من، رعایت مسائل کارشناسی و در نظر گرفتن موازین قانونی و انطباق آن با مسائل علمی، و همکاری با همه نهادهای ذریع، در رفع این معضل مؤثر خواهد بود.

حجتی

مدیر دفتر کل مجتمع قضائی ارشاد

تسهیلات اداره کل کافی نیست

قضایوت: ضمن معرفی خودتان خواهشمندم، گزارشی از وضعیت مجتمع قضائی ارشاد نیز ارائه دهید؟
حجتی: من، حجتی، بیست و یک سال سابقه کار و خدمت در دادگستری دارم. در سال ۱۳۶۰، وارد دادگستری شدم. از پست تصدی امور دفتری شروع کردم. بحمدالله... با تجاربی که بتدریج به دست آوردم و تأییداتی که از جانب رؤسای محترم داشتم، فعلاً حدود دو سال و اندی است که در پست مدیر دفتری این مجتمع قضائی، موظف به انجام وظیفه هستم. . . . در کلاسهای دادگستری ضمن خدمت هم شرکت کردم؛ با توجه به قراردادی که دادگستری با دانشگاه آزاد برقرار کرده بود، ما موفق

شدیم لیسانس خود را در رشته حقوق قضائی اخذ کنیم. این مجتمع از سال ۱۳۷۴ بر اساس قانون تشکیل دادگاه عمومی انقلاب تأسیس شد. قبلاً این مجتمع در خیابان شهید مطهری واقع بود و در سال ۱۳۷۶، با توجه به تغییر تمام نامهای مجتمعهای قضائی، این مجتمع هم از نام «مجتمع شهید قدوسی» به نام «مجتمع ارشاد» تغییر نام پیدا کرد. این مجتمع در حال حاضر، ۶۴ کارمند دارد. از این ۶۴ کارمند، حدود ۴۰ نفرشان رسمی و پیمانی هستند و بقیه کارمندان، روزمزد هستند که از طریق تعاونی به ما معرفی شده‌اند و یا خدمتگزارانی هستند که از طرف واحد خدمات استان تهران به ما معرفی شده‌اند از نظر وضعیت اخلاقی و کیفیت کاری؛ بصراحت عرض می‌کنم، تمام کارکنان این مجتمع منحصر به فرد است، هیچ مجتمعی مثل این مجتمع از حساسیت کاری برخوردار نیست و از نظر کار، همکاران همگی در سطح بالایی انجام وظیفه می‌کنند. ما از همه این همکاران خودمان سپاسگزاریم. می‌دانیم که هیچ گونه امکاناتی نداریم تا در اختیارشان بگذاریم؛ با این وصف، هر گونه امکانات رفاهی را که از اداره کل برای ما در نظر گرفته شود، به تناسب کاری، در اختیار آنها قرار می‌دهیم.

قضایوت: این امکانات، شامل چه چیزهایی می‌شوند؟
حجتی: برای مثال، امکانات رفاهی که برای ما در نظر گرفته می‌شود، استفاده از مهمانسراهای مشهد هست که در سال، ۱۰ سهمیه داریم که به ترتیب اولویت، همکاران را (اعم از قضائی و اداری) معرفی می‌کنیم و اینها هم به آنجا عزیمت می‌کنند و دیگر، تشریحگاه (آلا) در رامسر است که در سال، پنج تا سهمیه داریم که این پنج سهمیه را هم بین همکاران تقسیم می‌کنیم و آنها هم بداندجا عزیمت می‌کنند.

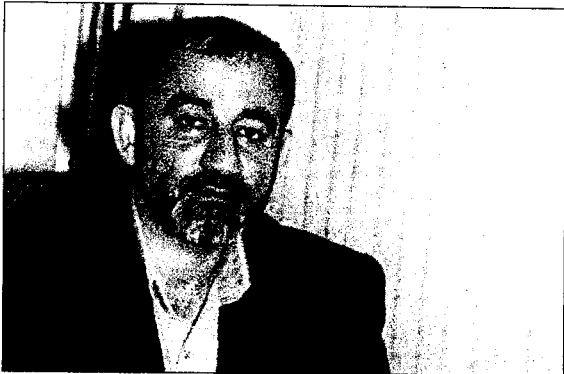
قضایوت: یعنی قضات و کارمندان؟

حجتی: بله، قضات و کارمندان هر دو صنف، اولویت خاص خودشان را دارند ولی با توجه به کثرت مشغله کاری و فکری که در این مجتمع وجود دارد، خدماتی که ما به همکاران می‌دهیم، کم است. ما باید بیشتر آنها راز نظر مالی و امکانات رفاهی تشویق کنیم. من به شما اطمینان می‌دهم که تاکنون در این مجتمع، کوچکترین گزارشی مبنی بر عملکرد سوء همکاران واصل نشده. با توجه به وضع خاص این مجتمع و نوع رسیدگی به پرونده‌ها، گویا تمام همکاران دستچین شده‌اند؛ هم از نظر اخلاقی، هم از نظر روحی، هم از نظر اداری، هم حضور و خروج بموقع و نیز انجام اضافه کار. که همکارانی را داریم. تمام مجتمعها، ساعت یک و ربع به بعد تعطیل می‌شوند، در صورتی که این مجتمع علاوه بر کشیکی که تا ساعت ۶ بعدازظهر دارد، نیروها تا ساعت ۴ بعدازظهر برای اینکه کار شعبه انجام بشود می‌مانند و اضافه کار می‌کنند. بنابراین استحقاق آن را دارند که از امکاناتی بهره‌مند شوند.

حجتی

مدیر دفتر کل مجتمع قضائی ارشاد





محمد سینجلی جاسبی
معاون اجرای احکام

ارتباط بهتر با دفتر امور زندانیان می تواند صورت گیرد؟

جاسبی: طبیعتاً بیشتر هماهنگیها، راجع به زندانیان خواهد بود. برخی از زندانیان با قرار در حبس مانده اند. به طور متعارف، وقتی قرار به عنوان مثال ۲۰ هزار تومان باشد، نباید زندانی ۵ ماه در زندان بماند. به همین خاطر، این اسامی از طرف دفتر امور زندانیان به این مجتمع ارسال می شود و ما آنها را مورد بررسی قرار می دهیم و زندانیانی که بیش از حد متعارف، با توجه به نوع قرارشان در حبس مانده اند، به وضعیت آنها رسیدگی می کنیم. با این وصف، با توجه به تعداد کم زندانیان این مجتمع، ما مشکلات کمتری در این زمینه داریم. در سایر مجتمعها، چون حجم پرونده ها بالاست و به علت نوع جرایم، رسیدگی به آنها زمان می برد، به هماهنگیهای بیشتری احتیاج دارند.

قضاوت: آیا نظارتی هم بر زندانیان خود دارید؟
جاسبی: وظیفه اجرای احکام نیست که روی زندانیان، نظارت مستقیم داشته باشد اما به طور متوسط، هر دو ماه یک بار، یکی از قضات اجرای احکام برای بازدید از زندان می رود.

قضاوت: در مورد افرادی که محکوم به احکام تعلیقی هستند، وضعیت نظارت چگونه است؟ آیا منتظر هستید که گزارشهایی مبنی بر عدم رعایت قانون به شما برسد، آن وقت اقدام کنید یا اینکه مأمورانی هستند که به عنوان ضابطین قوه قضائیه، عملکرد روزانه افراد یاد شده را تحت نظر دارند؟

جاسبی: به علت وجود بی نظمی که در کل دادگستری استان وجود دارد، این تعلیقی معمولاً اجرایی نمی شود. هر مجتمع از محکومین، سوابقی در اختیار دارد حتی در مورد محکومین تعلیقی. اما این سوابق، این گونه نیست که به صورت منظم و کامپیوتری موجود باشد و بشود فوراً بدانها با آن استعلام کرد. بنابراین، بسیاری از این احکام تعلیقی به علت عدم ثبت رایانه ای قابل اجرا نیست.

قضاوت: پیشنهاد شما در این باره چیست؟
جاسبی: اطلاعات باید به صورت سیستم علمی

محمد سینجلی جاسبی
معاون اجرای احکام

کمبود نیروهای متخصص موجب فساد است

قضاوت: آیا در این مجتمع، پرونده های قدیمی هم دارید که در بایگانی باشد و در مورد آن حکمی صادر نشده باشد؟

جاسبی: در این مجتمع، با توجه به نوع فعالیتش، پرونده های قدیمی نداریم. اکثر پرونده ها روزانه مورد رسیدگی قرار می گیرند و تنها چند پرونده که مربوط به باندهای فساد است، به علت عدم تأمین از متهمان، رسیدگی به آنها زمان می برد. در واقع، تقریباً نود درصد از پرونده های این مجتمع، طی روز یا هفتگی ختم رسیدگی آن اعلام می شود. قضاوت: نوع پرونده هایی که رسیدگی می کنید، شامل چه جرایمی است؟

جاسبی: مبارزه با منکرات، شرب خمر، زنا چه به صورت انفرادی یا باندی و توزیع (C.D) های مبتذل؛ از مواردی است که ما رسیدگی می کنیم. قضاوت: آیا دفتر مخصوص زندانیان هم دارید؟
جاسبی: سه شعبه اجرای احکام داریم که هر کدام، یک دفتر مخصوص به خود دارند. ضمن اینکه باید بگویم، با توجه به نوع جرایمی که در این مجتمع مورد رسیدگی قرار می گیرند، زندانیان زیادی نداریم.

قضاوت: با آقای جعفری معاون امور زندانیان، ارتباط دارید؟
جاسبی: ارتباط چندان نزدیکی نداریم.

قضاوت: چرا؟
جاسبی: بیشتر ناشی از کمبود وقت است. آنها از ما دعوت به عمل آوردند، منتھی ما هنوز فرصت کافی برای اجابت دعوت آنان نیافته ایم. البته یک بار، قضات اجرای احکاممان را فرستادیم، اما آنها انتظار دارند که خود ما برویم و مسائل را با آنان در میان بگذاریم.

قضاوت: فکر می کنید چه هماهنگیهایی برای

قضاوت: آیا مشکلی با اداره کل نداشته اید؟
حجتی: ما با اداره کل مشکلی نداریم. در برابر تقاضاهایی که به اداره کل ارائه می دهیم، بحمدالله، کم و بیش آنچه را که در توان دارند، در اختیار ما قرار می دهند. هر چند که این تسهیلاتی که به ما می دهند، کفایت درخواست ما را نمی کند ولی باز ما به نسبت آنچه را که از اداره کل می گیریم، از آنها متشکریم. باز هم ما خواهسته هایی داریم، ارسال کرده ایم، قول داده اند که به ما تحویل بدهند، ما هم واقعاً ممنونشان هستیم.

قضاوت: اینجا چند اتاق و چند شعبه دارد؟
حجتی: اینجا حدود هفتاد اتاق دارد؛ حدود سیزده شعبه فعال داریم؛ اجرای احکام داریم؛ و دایره بازرسی وزارت ارشاد که اینجا سه تا اتاق ما را تحت اختیار دارند.

قضاوت: ما برای انجام گفتگو، خدمت این عزیزان رفتیم اما متأسفانه با ما همکاری نکردند.

حجتی: با توجه به محدوده کاری آنها؛ از این نظر که کسی با آنان در تماس نباشد یا خدای نکرده اعمال نفوذی نشود، من تصور می کنم که به همین خاطر حاضر به مصاحبه نشده باشند. فراموش نشود که ما واحد از انگشت نگاری هم داریم، که همکاران محترم تشخیص هویت لطف کرده اند و این همکاران را در این مجتمع مأمور به خدمت کرده اند که از ریاست محترم پزشکی قانونی تشکر می کنیم از اینکه، واحد پزشکی قانونی را در اینجا مستقر کرده اند.

قضاوت: مسؤول آن کیست؟
حجتی: سرکار خانم عطایی.

قضاوت: وضعیت بایگانی پرونده هایتان به چه شکل است؟

حجتی: از نظر بایگانی راکد، ما کادر اداری کم داریم که تقاضا کرده ایم این نیاز ما را تأمین کنند. برابر با چارت اداری متناسب با یک دادگاه، بایستی چهار نفر یعنی یک منشی، یک مدیر دفتر، یک متصدی امور و بایگان و یک قاضی دادگاه در هر یک از شعب حضور داشته باشند؛ در صورتی که در این مجتمع، نیروهای هر شعبه عبارتند از: یک قاضی، یک منشی و یک مدیر دفتر. ما بایگان نداریم و مدیر دفتر، شخصاً مبادرت به انجام این امر می کند که این البته یک نقص است. از اداره کل هم تقاضا کرده ایم، آنها هم به ما قول داده اند که - انشاء... - تعدادی کارمند در اختیار ما قرار دهند و این کمبود را جبران کنند.

قضاوت: آیا واحد معاضدت و ارشاد قضائی دارند؟
حجتی: ما اینجا دایره معاضدت و ارشاد قضائی نداریم. هرکس مشکلی داشته باشد، به من و آقای فیروزآبادی که ایشان هم معاون هستند، مراجعه می کند و ما راهنمایی شان می کنیم. اگر ما نتوانستیم قانعشان بکنیم، ارجاع می دهیم به رئیس مجتمع یا یکی از معاونین ایشان تا با ارباب رجوع صحبت کنند.

دریابد و همه شعبه‌ها بایستی به واسطه رایانه، به این سوابق دسترسی کامل داشته باشند.
قضاوت: مختصری راجع به مشکلات اجرای احکام توضیح دهید؟

جاسبی: مشکلات عدیده‌ای وجود دارد. یکی، فقدان سیستم رایانه‌ای؛ قبلاً عرض کردم که به همین دلیل، ما نمی‌توانیم به سوابق محکومین دسترسی داشته باشیم. دیگر اینکه، افرادی که در این مجتمع متصدی اجرای احکام و شلاق هستند، هیچ کدامشان کارمند رسمی نیستند. همچنین از دیگر نقایص، فقدان نیروهای متخصص برای اجرای دستورات اجرایی احکام قطعی دادگاههاست.

قضاوت: از نظر شما، این نیروها باید دارای چه ویژگیها و تخصصهایی باشند؟

جاسبی: مثلاً فردی که مأمور تحویل یک دختر فراری است، حتماً باید خانم و متأهل باشد. متأسفانه اکثر اوقات، سربازان این وظایف را به عهده دارند و این درست نیست. بنابراین در این بخش، حتماً باید این مأموریت به خانمهایی که تعلیم دیده‌اند، این مأموریت واگذار شود و این نکته را باید عرض کنم که نبود نیروهای متخصص زن در بخش اجرای احکام، خود باعث ایجاد فساد شده که در آینده هم ادامه خواهد داشت.

قضاوت: محکومین به حبس در این مجتمع چه مدت زمانی را در زندان می‌مانند؟

جاسبی: از سه ماه تا دو سال.
قضاوت: بیشتر از دو سال، دیگر شما حبس مقرر نمی‌کنید؟

جاسبی: خیر، جز یک مورد که خود من رسیدگی کردم، و آن در مورد مردی بود که به اصطلاح با بچه‌های ده، یازده ساله عمل غیر زنا انجام می‌داد و از آنها فیلمبرداری می‌کرد که به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

قضاوت: شما نشریه ما را می‌خوانید؟
جاسبی: بله به نظرم مطالب آن جامع و قابل توجه است. از نظر من، منتهی مطالب علمی آن کم است ولی مطالب اجتماعی آن در حد کفایت است.

عباس اسحاقیان
 «قاضی ناظر اجرای احکام»

نمی‌دانیم شلاق تعزیر چه حد و حدودی دارد

قضاوت: در خصوص نحوه اجرای احکام توضیح دهید.

اسحاقیان: متأسفانه در نحوه اجرای شلاق، ضوابط مشخصی وجود ندارد.

در تبصره ماده (۲۳۹) آمده که آیین نامه اجرائی این ماده و همچنین چگونگی اجرای حکم شلاق، بایستی ظرف سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد. برای این ماده، ۳ سال مدت آزمایشی در نظر گرفته‌اند و دو ماه دیگر، مدت آزمایشی این قانون تمام می‌شود ولی هنوز، یک ضابطه خاص برای اجرای شلاق نداریم. من نمی‌دانم شلاق تعزیر چه حد و حدودی باید داشته باشد یا اینکه منظورشان از شلاق حد چیست؟

قضاوت: شلاق ضفت را چگونه اجرا می‌کنید؟
اسحاقیان: اگر محکوم مریض باشد و پزشکی قانونی هم تأیید کند که ایشان شلاق نمی‌تواند بخورد و تحمل کیفر ندارد، این حکم را اجرامی کنیم؛ حالا چه حد باشد چه تعزیر.

قضاوت: چگونه؟
اسحاقیان: یک شلاق مشتمل بر تعداد شلاقهایی که در حکم او مقرر شده است، تهیه می‌کنیم و یک بار می‌زنیم.

قضاوت: چگونه می‌زنید؟
اسحاقیان: بستگی دارد؛ اگر حد باشد، متناسب با حد می‌زنیم. اگر تعزیر باشد، متناسب با تعزیر. ولی باز هم می‌گویم، هنوز برای ما مجهول است که شلاق تعزیری چه حد و حدودی دارد و چطور باید اجرا شود و شلاق حدی چیست. الان سلیقه‌ای است، هر کس زوررش بیشتر باشد، است محکمتر می‌زند.

قضاوت: چند نفر شلاق زن دارید؟
اسحاقیان: یکی آقای بختیاری است که خیلی قوی

است و دیگری خانم اهرمی است که زنها را شلاق می‌زند. منتهی، آقای بختیاری شلاق را محکم می‌زند ولی نظر من بشخصه، این است که این شلاق زن نیست که میزان شلاق را تعیین می‌کند، تحمل طرف مقابل است که شدت و ضعف شلاق را تعیین می‌کند. شلاق شخصی که ضعیف است، می‌دانیم که تحمل صد ضربه شلاق برای او خیلی دشوار است، نباید با کسی که آدم ورزیده و قوی هیكلی است، یکی باشد. ما که قصد کشتن طرف را نداریم، یک تکلیف الهی است که بایستی اجرا شود تا او تطهیر شود و یا از جرمی مثل زنا که انجام داده است، پاک شود.

قضاوت: آن وقت آیا در روحیه شما که به عنوان ناظر این صحنه‌ها هستید، اثر نمی‌گذارد؟
اسحاقیان: صددرصد در روحیه ما اثر می‌گذارد! من تا یک مدتی افسرده شده بودم، چون به مرور زمان روی آدم تأثیر می‌گذارد.

قضاوت: شما قاضی کشیک هم هستید؟
اسحاقیان: معمولاً بیشترین کشیک اجرای احکام با من است. شاید بگویم در هفته، حداقل ۴ روز را من کشیک هستم.

قضاوت: قاضی ناظر هم هستید؟
اسحاقیان: بله، ناظر اجرای احکام و چگونگی اجرا.

قضاوت: از چه سالی وارد این مجتمع شده‌اید؟
اسحاقیان: از شهریور سال ۸۰، و پیش از آن، در اصفهان بودم.

قضاوت: این مسائل و مشکلاتی را که در مورد اجرای احکام می‌گویید، آیا با مسئولین هم در میان گذاشته‌اید؟

اسحاقیان: بله، مراتب را اعلام کرده‌ایم. الان می‌گویم که بزرگترین مشکل ما در مورد حدود و تعزیر، این است که ما آیین نامه مدون و مشخصی نداریم. این مشکل را قبل از این، در مورد تبعید هم داشتیم ولی خوب بجدتانه، آیین نامه اجرای احکام تبعید تدوین شد و ما الان مشکلی نداریم و اجرا می‌کنیم، ولی مشکل اجرای شلاق تعزیر و حدود برای ما، به صورت یک مسأله بغرنج درآمده و سلیقه‌ای شده. به نظر من مجریان احکام بایستی یک مقداری متعادلتر حکم را اجرا کنند.

قضاوت: آیا به نظر شما نایبستی توسط مجری احکام لحاظ شود، چون شما ناظر هستید و نظارت می‌کنند و بر چگونگی اجرای احکام.

اسحاقیان: چرا می‌توانم نظر دهم، اما ما سه تن قاضی اجرای احکام داریم. مثلاً نظر همکارم این است که با شدیدترین قدرت، حکم اجرا شود ولی نظر من این است که تعزیر یعنی اینکه شخصیت مرتکب جرم خرد شود وقتی کسی می‌آید در محل اجرای شلاق و روی تخت می‌خوابد تا اینکه روی کمر او تازیانه بزنند، همه می‌دانند که شخصیت او خرد شده است. ولی زجر بدنی بسیار، علاوه بر اینکه هیچ اثر تربیتی برایش ندارد بلکه نتیجه معکوس نیز





احترام اهری

«مأمور اجرای احکام»

خودم هم عذاب می کشم

قضاوت: شما قبلاً کجا کار می کردید؟

اهری: من در بسیج فعالیت داشتم در بخش امر به معروف و نهی از منکر و دستگیری موارد منکرانه؛ بعد به من اطلاع دادند که این مجتمع به یک شلاق زن خانم احتیاج دارد، من هم اعلام آمادگی کردم.

قضاوت: از چه زمانی در اینجا مشغول شده اید؟

اهری: نزدیک به یک سال و نیم.

قضاوت: فقط شلاق می زنید؟

اهری: در پزشک قانونی هم تحت عنوان منشی، فعالیت دارم.

قضاوت: وقتی که شلاق می زنید، چه احساسی دارید؟

اهری: طبیعی است که شلاق زدن، جسم را می آزارد و تحمل آن دردآور است. من واقعاً قصد آزار و اذیت دیگران را ندارم و نیتیم از این کار، این است که با اجرای احکام، فرد خاطی متنبه شود.

قضاوت: فقط خانمها را شلاق می زنید؟

اهری: بله.

قضاوت: می خواهم بدانم، موقع شلاق زدن و قبل و بعد از آن، چه ارتباطی با فرد محکوم برقرار می کنید؟ آیا تا به حال، حین اجرای حکم با او احساس همدردی هم کرده اید؟

اهری: در آن لحظه ها، خودم هم عذاب می کشم! خوب من با او صحبت می کنم.

از او می پرسم که جرمش چیست؟ مثلاً می گوید من به خانه های فساد آمد و شد داشتم. کمی نصیحتش می کنم و می گویم که حالا که کار به اینجا رسیده، شما از این پس سعی کنید که ارتباطتان را با خدا قطع نکنید و با دعا و تضرع از او کمک بخواهید و بدانید که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

قضاوت: خانم اهری، آیا تاکنون با محکومینی که شلاق خورده اند، رابطه عاطفی برقرار کرده اید؟ چون می دانید که او به هر حال این ضربات را دارد تحمل می کند و به جسم او آسیب وارد می شود.

اهری: بله؛ در آن لحظه حس می کنم که خودم جای او هستم و گاهی پیش می آید که محکومین هم این وضعیت را درک می کنند.

بعضی ها واقعاً پی می برند که اشتباه کرده اند و به من می گویند که آیا بعد از اجرای حکم، جسم ما تطهیر می شود؟ می گویم بله. آن وقت بعد از اجرای حکم، دست مرا می گیرند و گاه می پرسند و من شرمند می شوم؛ واقعاً آن موقع گریه ام می گیرد.

چندین اثر در حوزه ادبیات داستانی است - در میان گذاشتم، بخصوص آن فراهایی که به بیان عواطف مشترک بین فرد مجری احکام و شخص محکوم به تحمل شلاق مربوط می شد، قطرات اشک را بر گونه های او نشانده که برای من، منظره ای دیدنی بود، فکر می کنم که برای شما خوانندگان عزیز هم مطالعه این بخش از گزارش، خالی از لطف نباشد.

علی بختیاری

«مأمور اجرای احکام»

شرط تأثیرگذاری اجرای احکام

بختیاری را خیلی هایی که با او مواجه شده اند، می شناسند؛ شاید به خاطر نحوه اجرای شلاق. خودش مدعی است که حکم را درست و منطبق بر موازین قانونی اجرا می کند. از ناآگاهیهای مردم نسبت به نحوه اجرا گلابه داشت. به اعتقاد او، اینکه برخی گمان می کنند هنگام شلاق زدن بایستی قرآنی زیر بغل گرفت و... ناشی از جهل آنان است. از خاطراتش، اینکه قبل از پیشه کردن چنین حرفه ای، از دوستش خواسته بوده که یک بار شلاق حد و چند بار شلاق تعزیر را روی او اجرا کند، می گفت بعد از اصابت شلاق به پشتم، حس کردم که سیستم عصبی هم ریخته است. وضعیت بدی بود؛ آدم در این لحظه احساس می کند که شخصیتش خرد شده است! به همین خاطر است که اعتقاد دارم، اگر اجرای احکام منطبق با موازین قانونی باشد، کاملاً تأثیرگذار خواهد بود.

قضاوت: چگونه شلاق را اجرا می کنی؟

بختیاری: اجرای شلاق به دو دسته «تعزیر» و «حد» تقسیم می شود. حد، چهار مرحله دارد که عبارتند از: زنا، تفخیز، شرب و خمر، و فوادی و نحوه اجرای آنها هم با یکدیگر متفاوت است. در مورد اجرای حد زنا، تا آنجا که دست قوت داشته باشد، شلاق را اجرا می کنیم. معمولاً شلاقها طی دو یا چهار مرحله زده می شود که این بستگی به توان فرد مجرم دارد اما به طور معمول، در عرض یک یا یک و نیم دقیقه می شود ۷۵ ضربه شلاق زد. بختیاری در ادامه می گوید: در حین شلاق زدن، گاهی اتفاق افتاده است که محکوم به علت شدت درد ناشی از ضربه های اصابت کرده، تحمل خود را از دست می دهد و مرا به باد ناسزا می گیرد.

در چنین مواقعی، دست از شلاق زدن می کشم و بعد از سپری شدن لحظاتی، دوباره حکم را اجرا می کنم؛ چون فکر می کنم شلاق زدنهای من نباید تحت تأثیر ناسزاهای گفتنی او صورت گیرد.

بختیاری: ... له کسانی است که معتقد است: اجرای علنی احکام در ملاعام، تأثیر چشمگیری در کاهش جرایم خواهد داشت.

در پی خواهد داشت. پس به نظر من، احکام باید به گونه ای اجرا شوند که متهم احساس درد و حقارت و خرد شدن نکند. خیلی ها هستند که شلاق تعزیر روی آنها اجرا می شود و آنان شروع می کنند به گریه کردن. می پرسم آیا درد آمد، می گوید نه، متعادل بود، اما گریه ام به خاطر این است که من مجبور شدم اینجا بخوابم که روی من شلاق اجرا شود و این یعنی خرد شدن شخصیت! خوب همین، بیشترین اثر تربیتی را روی مجرم دارد ولی اگر چنان اجرای حد کنیم که متهم فقط سوزش و درد کمر احساس کند، دیگر به خرد شدن شخصیت خود اصلاً فکر نمی کند.

قضاوت: به نظر شما، نحوه درست برخورد با پدیده دختران خیابانی، باید چگونه باشد؟

اسحاقیان: الان بزرگترین مشکلی که ما داریم، این است که بیشترین زنان دختران خیابانی که می آورند اینجا، معمولاً یا جریمه و یا محکوم به شلاق می شوند اما بسیاری از آنان، توان پرداخت جریمه را ندارند و براساس میزان جرایم نقدی، به زندان محکوم می شوند که این مشکل آفرین است؛ چون پرداخت جریمه نقدی به نفع خزانه دولت است اما کسی که توان پرداخت جریمه را نداشته باشد، به ازای هر پنج هزار تومان یک روز به زندان می رود و یک بار مضاعف را هم بر روی دوش دولت می گذارد؛ چون به هر حال، زندان خرج دارد. بعد از اینکه محکومیت زندانش تمام می شود، برمی گردد؛ جایی هم که ندارد و ما موظفیم که آنان را تحویل بهزیستی بدهیم. بهزیستی هم بعد از آنرا را تقریباً یکی - دو هفته یا حداکثر بعد از گذشت ۲۰ روز، آنان را رها می کند.

به نظر من، آقایان برای اجرای درست احکام و اینکه این احکام اثر تربیتی داشته باشد، باید یک فکری برای این دختران بکنند، چون بیشترین علت فساد جامعه هم از جانب اینهاست؛ یعنی کسانی که خانواده ندارند، شروع به ولگردی می کنند و به نظر من، بیشترین فسادها را اینها به وجود می آورند.

گفتگو با دو مأمور اجرای احکام:

شاید در جرایم، بندرت اتفاق افتاده باشد که یک شلاق زن در یک گفتگوی مطبوعاتی شرکت کرده باشد. یقین، این افراد با توجه به نوع وظیفه و ماهیت شغلی شان، حرفهای شنیدنی زیادی دارند؛ بخصوص آنکه در بیرون از مجتمع، افراد زیادی صرف نظر از اهمیت و اعتبار قانون و ضرورتی که برای اجرای آن قائلند، به این شغل نگاهی خاص دارند و مجری احکام را فردی فاخر از عواطف می دانند؛ بخصوص اینکه نوع و نحوه اجرای احکامی این چنین، جلوه ای است از چهره خشک قانون. البته شاید من هم قبلاً چون دیگران می اندیشیدم، ولی باید گویم بعد از مصاحبه با دو تن از مجریان احکام مجتمع قضائی ارشاد تا حدود زیادی تصور اولیه ذهنم نسبت به این موضوع دگرگون شد. هیچ یادم نمی رود که مدتی بعد از مصاحبه، وقتی که بخشهایی از این گفتگوها را با یکی از دوستان نویسنده ام - که صاحب